

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نوآوری بر نابرابری درآمد کشورهای اوپک و کشورهای منتخب توسعه‌یافته

■ سارا ساری‌گل
دانشجوی دکتری علوم اقتصادی،
دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
sarasarigol@gmail.com

■ ابوالفضل شاه‌آبادی *
دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی
دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
shahabadia@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۹/۰۶
تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۱/۲۵

چکیده

در دهه‌های اخیر کاهش نابرابری درآمد^۱ جزء اهداف عمده راهبرد توسعه اقتصادی و اجتماعی و حتی از وظایف مهم دولت‌ها محسوب می‌شود. از این‌رو، توجه به نابرابری درآمد و تجزیه و تحلیل آثار توزیعی سیاست‌های اعمال شده بر آن برای افزایش رشد اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. از طرفی دیگر امروزه توانایی دستیابی به نوآوری‌ها^۲ با بهره‌گیری از منابع انسانی خلاق به عنوان نخستین گام برای تبدیل دانش به ثروت شناخته شده است. لذا با توجه به اهمیت کلیدی نوآوری در اقتصادهای نوین، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر نوآوری بر نابرابری درآمد کشورهای OPEC^۳ و کشورهای توسعه‌یافته منتخب OECD^۴ طی دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۵ می‌پردازد. نتایج مطالعه حاکی از آن است که وضعیت کشورهای OPEC در مقایسه با کشورهای OECD در شاخص‌های جینی و نوآوری ضعیف و نامطلوب می‌باشد که این امر ناشی از فقدان هماهنگی سیاست‌های کلان اقتصادی با سیاست‌های علمی و پژوهشی است. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده، اکثر کشورهایی که در حمایت از فعالیت‌های نوآورانه موفق‌تر عمل کرده‌اند دارای توزیع درآمد بهتری هستند. بنابراین کشورهای مورد مطالعه در مسیر حرکت از اقتصاد منابع و سرمایه‌محور به سوی اقتصاد دانش‌محور، حمایت از فعالیت‌های نوآورانه و کاهش نابرابری درآمد ضروری است جهت‌گیری سیاست‌های کلان اقتصادی آنان هماهنگ با سیاست‌های پژوهشی و آموزشی باشد.

واژگان کلیدی

نوآوری، نابرابری درآمد، کشورهای اوپک، کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی.

مقدمه

اقتصاددانان توسعه در دهه‌های گذشته، به جای توجه به مسئله توزیع درآمد و رفع نابرابری‌های شدید درآمدی میان آحاد جوامع بر ایجاد رشد اقتصادی و تسریع آن به ویژه در کشورهای در حال توسعه تأکید داشتند، حتی نابرابری زیاد درآمد لازمه رشد و کارایی اقتصادی شمرده می‌شد. زیرا چنین استدلال می‌شد که ثروتمندان نسبت به فقرا درصد قابل توجهی از درآمدها را پس‌انداز می‌نمایند و انباشت پس‌اندازهاست که می‌تواند به نوبه خود سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را امکان‌پذیر سازد. این طرز تفکر موجب شد مدت‌ها به مسئله توزیع درآمد توجه کافی

نشود. اما امروزه اقتصاددانان توسعه شکاف عظیم درآمدی بین طبقات پایین و بالای جامعه را نه تنها به عنوان یک مزیت اقتصادی نمی‌دانند بلکه آن را مانعی بر سر راه رشد و توسعه اقتصادی پایدار ذکر می‌کنند. از این‌رو به خصوص از دهه ۱۹۸۰ به بعد موضوع توزیع درآمد و تجزیه و تحلیل آثار توزیعی سیاست‌های اعمال شده برای افزایش رشد اقتصادی در محافل علمی و سیاست‌گذاری اهمیت بسیاری پیدا نمود. به همین سبب دستیابی واقعی به سطح قابل قبولی از توزیع درآمد، ارزیابی پیامد سیاست‌های توسعه‌ای در عرصه توزیع، اطلاع از موقعیت و رفاه افراد جامعه و در نهایت برنامه‌ریزی به منظور

1. Income Inequality
2. Innovations

3. Organization of the Petroleum Exporting Countries
4. Organization for Economic Cooperation and Development

* نویسنده مسئول

که نوآوری نوک پیکان حرکت آنان را تشکیل می‌دهد. طبق نظر دراکر^۱ (۱۹۸۵) در جهانی که دستخوش دگرگونی بوده و امنیت آن هر روز در معرض تهدید است، تنها راه بقا، ابداع و نوآوری است [۲]. همچنین افزایش رشد اقتصادی، افزایش بهره‌وری و تولید ثروت از علم و فناوری، تولید فناوری و کالاها و خدمات جدید و ایجاد اشتغال‌های مولد و کارآفرینی از جمله فواید نوآوری است. اما با وجود اهمیت و تاریخچه طولانی نوآوری، ابعاد مختلف این پدیده به درستی شناخته نشده است. لذا در این مطالعه هدف پاسخ به این سؤال است که حمایت از نوآوری چگونه بر نابرابری درآمد کشورهای OPEC و منتخب OECD تأثیر می‌گذارد؟

از آنجا که افزایش رفاه عمومی، فقرزدایی، کاهش اختلافات طبقاتی و در نهایت برقراری عدالت اجتماعی یکی از آرمان‌های متعالی در هر جامعه می‌باشد که آن را به سمت رشد و توسعه اقتصادی سوق می‌دهد لذا به منظور تبیین دقیق‌تر شکاف کشورهای در حال توسعه از لحاظ توزیع درآمد و شاخص‌های نوآوری با کشورهای توسعه‌یافته از دو دسته کشورهای در حال توسعه OPEC و توسعه‌یافته OECD در مقاله بهره برده‌ایم. کشورهای در حال توسعه OPEC دارای بالاترین منابع نفتی و گازی در جهان هستند و قریب به دو سوم ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارند. لذا این کشورها مرکز توجه جهانی و شاید حساس‌ترین منطقه جهان از منظر راهبردی، اقتصادی و سیاسی هستند. همچنین کشورهای توسعه‌یافته عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD) از

تجربه موفق در استفاده از فناوری‌های نوآورانه و حرکت رو به جلو به سوی اقتصاد دانش‌محور برخوردارند. لذا شایسته است که مطالعات جدی و کاربردی در زمینه مباحث نابرابری درآمد و نوآوری در جهت ارائه راهکارهای سیاستی مناسب برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران اقتصادی صورت پذیرد. از اینرو در این مطالعه به بررسی مقایسه‌ای و تجزیه و تحلیل نقش نوآوری بر نابرابری درآمد کشورهای OPEC و منتخب OECD طی دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۵ می‌پردازیم.

مبانی نظری و مطالعات تجربی

در تاریخ بشر توزیع درآمد با مفاهیم متفاوت و در زمینه‌های مختلف اقتصادی- اجتماعی ظاهر شده است، اقتصاددانان کلاسیک اعتقاد داشتند رشد اقتصادی به همراه بهبود توزیع درآمد مقدور نیست. آنان معتقد بودند یکی از شرایط لازم برای ایجاد رشد سریع اقتصادی، تشدید نابرابری در توزیع درآمدها است. بررسی رهیافت‌های مبانی نظری مطالعات توزیع درآمد نشان می‌دهد در گذشته رهیافت‌های دو مکتب قدیمی اقتصاد یعنی نئوکلاسیک و کینز برجسته‌تر بوده است. در ابتدا تحلیل مسائل توزیع درآمد در حیطه اقتصاد خرد که مبتنی بر مکتب نئوکلاسیک است قرار داشت، از این رو در ادبیات توزیع درآمد به ندرت اقتصاددانانی با مکتب کینزی مطرح هستند، از معروف‌ترین آنها می‌توان رابینسون^۲ و سرافا^۳ را نام برد. در سال‌های اخیر اقتصاددانانی مانند کرگل و گالبرایت^۴، راوه^۵ و دیگران از مکتب پساکینزی به معرفی نظریات توزیع درآمد بر اساس مکتب کینزی پرداخته‌اند. با این وجود

تعداد این اقتصاددانان بسیار محدود بوده است [۳]. امروزه نیز اقتصاددانان به این نتیجه رسیده‌اند نه تنها لازمه رشد اقتصادی (حتی در مرحله اولیه آن) توزیع نابرابر درآمدها و امکانات نمی‌باشد بلکه برعکس شرط تسریع در رشد اقتصادی برای کشورهای درحال توسعه، توزیع متعادل‌تر درآمدها و امکانات می‌باشد و این دو باید به موازات یکدیگر پیش روند تا تعادل بین رشد و توزیع عادلانه درآمد همواره برقرار گردد.

از سویی دیگر شایان ذکر است در عصر کنونی، کشورهای مختلف به علم، فناوری و نوآوری به مثابه منابع کلیدی برای کسب مزایای رقابتی و همچنین به منزله ابزار اساسی برای بهبود بخشیدن سطح زندگی مردم می‌نگرند و مؤسسه‌های بین‌المللی نیز توسعه‌یافتگی کشورها را بر اساس همین معیارها ارزیابی می‌کنند [۴]. کشورهایی که اقتصاد خود را با نوآوری هماهنگ کرده‌اند، ظهور اقتصادی سریعی یافته‌اند و نوآوری به انتقال دانش در پهنه اقتصاد متکی است. چنین انتقالی هم در بازار و هم در غیر بازار نمایان است [۵]. لذا نقش دانش در تولید ثروت و پیشرفت کشورها بسیار حیاتی شده است و هیچ پدیده اقتصادی در دنیای معاصر مهمتر از خلق ثروت از طریق نوآوری فناورانه نیست. باید خاطر نشان ساخت مطالعات اولیه در مورد نوآوری به دوران شومپیتر^۶ در سال ۱۹۳۴ برمی‌گردد [۶].

واژه نوآوری به تغییرات اساسی یا جزئی در طرز تفکر، اشیاء، فرایندها یا خدمات اشاره دارد [۷]. در ادبیات، به مبحث نوآوری از منظرهای گوناگون پرداخته شده است. از

1. Drucker
2. Robinson
3. Serafa

4. Kregel & Galbraith
5. Rao
6. Shumpeter

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نوآوری بر نابرابری درآمد کشورهای اوپک و کشورهای منتخب توسعه یافته
ابوالفضل شاه‌آبادی، سارا ساری‌گل

این رو تعاریف مختلف و متنوعی از نوآوری ارائه گردیده است: آفوا^۱ (۱۹۹۸) معتقد است نوآوری استفاده از ابزارهای نوین فناوری و دانش برای ارائه و عرضه محصول یا خدمت جدید به بازار است [۸]. به نظر می‌رسد این تعریف بر اساس یک نگاه وظیفه‌ای به نوآوری ارائه شده است. از منظر فرایندی، نوآوری به معنی مجموعه عملیاتی است که از پردازش ایده شروع شده و سرانجام به تولید و عرضه محصول یا خدمت جدید به بازار منتهی می‌شود [۹]، [۱۰]. مطالعه نظام‌مند نوآوری از دهه ۱۹۸۰ شروع و در قالب واژه نظام نوآوری مطرح شد. نظام نوآوری با ظهور اولیه نظام‌های ملی نوآوری در مطالعات فریمن^۲ (۱۹۸۷)، لاندول^۳ (۱۹۹۲) و نلسون^۴ (۱۹۹۳) تکامل یافت [۱۱] و [۱۲]. در منابع علمی مختلف و توسط ادکوئیست^۵، لاندول و جانسون^۶ کارکردها و فعالیت‌های مختلفی برای نظام نوآوری بیان شده است که به موضوعات مختلفی مانند: سیاست‌گذاری، حمایت از فعالیت‌های پژوهشی، انجام فعالیت‌های تحقیقاتی، قابلیت‌سازی، شبکه‌سازی، انتشار دانش، کارآفرینی اشاره شده است [۱۳]، [۱۴] و [۱۵]. در نهایت می‌توان بیان داشت توسعه فعالیت‌های نوآورانه و کاهش نابرابری درآمد با تمامی ویژگی‌ها و پیچیدگی‌های مترتب به آنها فرایندی نیست که در کوتاه‌مدت و بدون تدوین و اجرای برنامه‌های اصولی و صحیح محقق شوند. لذا در ادامه به برخی از مطالعات تجربی انجام شده در این زمینه می‌پردازیم:

اوزان^۷ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای به طور تجربی به بررسی اثرات نابرابری درآمد بر فعالیت نوآوری مجموعه‌ای از کشورها می‌پردازد.

هدف این تحقیق بررسی صحت اعتبار این فرضیه می‌باشد که در سطوح بالای نابرابری بین نوآوری و نابرابری درآمد رابطه مستقیم و در سطوح پایین نابرابری رابطه غیر مستقیم وجود دارد (فرضیه U معکوس). محقق برای بیان وضعیت توزیع درآمد کشورها در این مطالعه از دو شاخص نابرابری تایل که منعکس کننده نابرابری دستمزد در صنعت و جینی که منعکس کننده نابرابری درآمد خانوارهاست بهره می‌برد و همچنین فرض می‌کند، پیشرفت فناوری به وسیله فعالیت‌های نوآورانه روی می‌دهد و نوآوری‌ها نیز بر اساس ساختار تقاضا مبتنی بر توزیع درآمد تعیین می‌شوند. نتایج تحقیق صحت فرضیه U معکوس را تأیید می‌کند. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده، کاهش نابرابری برای کشورهایی که نابرابری درآمد بالایی دارند برای فعالیت‌های نوآورانه مفید است و منجر به این می‌شود، منابع بیشتری به سمت نوآوری منحرف شود اما این مطلب برای کشورهای با نابرابری کمتر درست نیست [۱۶].

کوک و یوچیدا^۸ (۲۰۰۶) در مقاله‌ای تحت عنوان "تغییرات ساختاری، نوآوری و توزیع درآمد" به بررسی ارتباط بین تغییرات ساختاری در الگوهای تجارت و تحول فنی، توزیع درآمد و فقر در مجموعه‌ای از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته طی دوره زمانی ۱۹۹۷-۱۹۷۸ می‌پردازند. نتایج مطالعه حاکی از آن است که تحول در تجارت در صنایع با فناوری پایین، فناوری متوسط (متوسط رو به بالا یا رو به پایین) اثر منفی بر توزیع درآمد تمامی کشورها دارد و تحول در تجارت در صنایع با فناوری بالا به افزایش

در نابرابری درآمد منجر می‌شود. همچنین در رابطه با توزیع درآمد و تحول فنی یافته‌ها نشان می‌دهد، تحول فنی در صنایع با فناوری پایین و فناوری بالا بر نابرابری درآمد تمامی کشورها اثر منفی دارد، اما تحول فنی در صنایع با فناوری متوسط (متوسط رو به بالا یا رو به پایین) اثر مثبتی بر کاهش نابرابری درآمد دارد. در ادامه محققان بیان می‌دارند توسعه صادرات صنایع با فناوری بالا برای رشد اقتصاد کشورهای در حال توسعه نوعی پاداش محسوب می‌شود که در نهایت منجر به کاهش فقر می‌شود [۱۷].

وین هلد و ریچرت^۹ (۲۰۰۵) مقاله‌ای تحت عنوان "نوآوری، نابرابری و حقوق مالکیت فکری" ارائه داده‌اند. محققان در این مقاله به بررسی این موضوع که آیا نابرابری درآمد و حقوق مالکیت فکری می‌توانند نرخ‌های متفاوت نوآوری کشورها را در اواخر دهه ۱۹۹۰ توضیح دهند یا خیر؟ بدین منظور آنها سهم طبقه اقشار متوسط جامعه، میزان اختراعات ثبت شده توسط افراد مقیم و غیرمقیم کشورها و شاخص گینارت پارک را به عنوان معیارهای اندازه‌گیری توزیع درآمد، نوآوری و حقوق مالکیت فکری برای ۵۳ کشور طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۹۴ در نظر می‌گیرند. نتایج مطالعه بیانگر آن است که طبقه متوسط جامعه نقش تعیین کننده و مستقیمی را در ترغیب نوآوری‌های داخلی ایفا می‌کند. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده، اندازه طبقه متوسط جامعه و حمایت از حقوق مالکیت فکری، تنها الگوهای مربوط به اختراعات ثبت شده توسط افراد مقیم کشورهای مورد مطالعه را توضیح می‌دهند. به عبارت دیگر حمایت از

1. Afuah
2. Freeman
3. Lundvall

4. Nelson
5. Edquist
6. Johnson

7. Ozan
8. Cook & Uchida
9. Wienhold & Reichert

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نوآوری بر نابرابری درآمد کشورهای اوپک و کشورهای منتخب توسعه یافته
ابوالفضل شاه‌آبادی، سارا ساری‌گل

جدول ۱- شاخص جینی کشورهای OPEC و منتخب OECD برای سال‌های مختلف [۲۶]

کشور	سال	شاخص جینی	کشور	سال	شاخص جینی	
کشورهای منتخب OECD	اسپانیا	۲۰۰۰	۲۴.۷	استرالیا	۱۹۹۵	۳۵.۲
	ایتالیا	۲۰۰۰	۳۶	آلمان	۲۰۰۰	۲۸.۳
	آمریکا	۲۰۰۰	۴۰.۸	ژاپن	۱۹۹۳	۲۴.۹
	ترکیه	۲۰۰۲	۴۲.۷	ترکیه	۲۰۰۸	۳۹.۷
	سوئد	۲۰۰۰	۲۵	دانمارک	۱۹۹۷	۲۴.۷
	شیلی	۱۹۹۶	۵۵.۱	شیلی	۲۰۰۰	۵۵.۶
	فرانسه	۱۹۹۵	۳۲.۷	فنلاند	۲۰۰۰	۲۶.۹
	نروژ	۲۰۰۰	۲۵.۸	کره جنوبی	۱۹۹۸	۳۱.۶
	الجزایر	۱۹۹۵	۳۵.۳	الجزایر	۱۹۹۹	۴۰.۱
	اکوادور	۱۹۹۸	۵۳.۵	اکوادور	۲۰۰۷	۵۴.۴
کشورهای OPEC	ایران	۱۹۹۸	۴۴.۱	ایران	۲۰۰۵	۳۸.۳
	قطر	۲۰۰۷	۴۱.۱	-	-	-

*کشورهای آنگولا، امارات، عراق، عربستان، کویت، لیبی، نجره و ونزوئلا به دلیل نداشتن آمار و اطلاعات از تجزیه و تحلیل حذف شده‌اند.

حقوق مالکیت فکری و اندازه طبقه متوسط و حمایت از حقوق مالکیت فکری اثر مثبت و معناداری بر میزان اختراعات ثبت شده توسط افراد مقیم کشورها دارند [۱۸].

شن^۱ (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای به بررسی اثر توزیع درآمد بر نوآوری (از طریق تقاضا برای کالاهای باکیفیت) می‌پردازد. بدین منظور محقق فرض می‌کند که تنها دو نوع مصرف کننده غنی و فقیر وجود دارد و توزیع درآمد نیز بر اساس معیارهای سهم فقیر از جمعیت و درآمد نسبی فقیر بیان می‌شود. بر اساس نتایج مطالعه، بهبود در درآمد نسبی مصرف کننده فقیر برای نوآوری بد است و کاهش در سهم فقیر از جمعیت باعث تسریع در نرخ نوآوری می‌شود [۱۹].

شایان ذکر است مطالعات گسترده‌ای در خصوص توزیع درآمد و عوامل مؤثر بر آن در اقتصاد ایران صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به بررسی توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران [۲۰]، آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران [۲۱]، شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران: مطالعه بین استانی [۲۲]، ارزیابی سهم عوامل تعیین کننده نابرابری و توزیع درآمد در اقتصاد ایران [۲۳]، تأثیر سیاست‌های تعدیل اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران [۲۴]، اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد ایران [۲۵] و... اشاره کرد. ولی تاکنون مطالعه جامع و کاملی در خصوص نقش نوآوری بر نابرابری درآمد انجام نشده است.

تجزیه و تحلیل آماری

برخی شواهد نشان دهنده اختلافات درآمدی در دهه های اخیر، علاقه اقتصاددانان را به موضوع توزیع درآمد و تغییرات آن و عوامل مؤثر بر آن تشدید کرده است. از اینرو در این بخش از مطالعه با استفاده از آمار و اطلاعات موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی از قبیل بانک جهانی درصدد ترسیم جایگاه کشورهای در حال توسعه OPEC از حیث نابرابری درآمد و نوآوری در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته منتخب OECD طی دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۵ و پیشرفت نوآوری، محورهای تبیین کننده آن و نیز کاستی‌های آن در کشورهای در حال توسعه در شرایط رقابتی جهان امروز می‌باشیم.

نابرابری درآمد

یکی از شاخص‌های تحلیل نابرابری درآمد ضریب جینی^۲ است که هر چه به یک نزدیک تر باشد، نشان‌دهنده عدم تساوی بیشتر و هر چه به صفر نزدیک تر باشد، نشان‌دهنده توزیع بهتر درآمد است. این ضریب در سال ۱۹۲۱

به وسیله جینی آماردان ایتالیایی ارائه شده و بیان می‌کند نسبت به حالت برابری کامل در توزیع درآمد چند درصد از درآمد محرومین جامعه گرفته و به ثروتمندان داده شده است. مطابق جدول ۱ که شاخص جینی را برای کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد، کشورهای در حال توسعه OPEC در مقایسه با کشورهای منتخب OECD موفقیت چندانی در بهبود این شاخص نداشته‌اند. شاخص جینی کشورهای نروژ، آلمان، ایتالیا، سوئد، فنلاند، کانادا و اسپانیا در سال ۲۰۰۰ به ترتیب معادل ۳۴/۷، ۲۵/۸، ۲۸/۳، ۳۶، ۲۵، ۲۶/۹، ۳۲/۶ و ۳۴/۷ اعلام شده است. به عبارتی می‌توان بیان داشت شاخص جینی برای اغلب کشورهای OECD بین ۲۴ تا ۳۶ است که نشان دهنده توزیع متعادل تر درآمد در کشورهای مذکور است. این در حالی است که شاخص مذکور برای اغلب کشورهای OPEC بالای ۴۰ است. برای نمونه بانک جهانی، شاخص جینی قطر را در سال ۲۰۰۷، ۴۱/۱ و برای ایران در سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۵ به ترتیب معادل ۴۴/۱ و ۳۸/۳ اعلام کرده است. از این رو کشورهای

1. Shen
2. Gini Coefficient

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نوآوری بر نابرابری درآمد کشورهای اوپک و کشورهای منتخب توسعه یافته
ابوالفضل شاه‌آبادی، سارا ساری‌گل

در حال توسعه OPEC نسبت به کشورهای منتخب توسعه یافته OECD به لحاظ نابرابری درآمد در شرایط نامطلوبی به سر می‌برند. توجه به این نکته حائز اهمیت است که وجود ثروت‌های نفتی می‌تواند از یک سو منجر به توزیع نامتعادل‌تر و از سوی دیگر موجب توزیع متعادل‌تر درآمد کشورهای نفت‌خیز شود. به عنوان نمونه، کشور نروژ توانسته با استفاده از ثروت‌های نفتی و اتخاذ سیاست‌های مناسب، زیربنای خود را ساخته و از فاصله فقیر و غنی بکاهد و بر تعادل در توزیع درآمدها به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های اقتصادی بیافزاید. البته باید اذعان نمود کم بودن شاخص جینی لزوماً به معنای وضع اقتصادی خوب خانوارها نیست. برخی از کشورها با وضع خوب اقتصادی دارای شاخص جینی بالایی هستند (برای مثال، شاخص جینی کشور آمریکا در سال ۲۰۰۰ معادل ۴۰/۸ بوده است). اما قطعاً روند رشد فزاینده این شاخص نشانگر نابرابری جدی توزیع درآمدها بوده و به هیچ‌وجه مطلوب نیست. به نظر می‌رسد یکی از دلایل مهم بالا بودن شاخص جینی کشورهای OPEC در مقایسه با کشورهای OECD، کم توجهی آنها به مؤلفه‌های دانش‌محور از جمله فعالیت‌های تحقیق و توسعه و نوآوری باشد. البته باید خاطر نشان ساخت به نظر می‌رسد نوآوری دارای دو اثر متفاوت بر نابرابری درآمد باشد: اولاً، درجهان امروز، اقتصاد دیگر صرفاً بر پایه نفت و منابع طبیعی نمی‌چرخد و نقش دانش در تولید ثروت، چرخش اقتصادی و پیشرفت کشورها بسیار حیاتی شده است، بر این اساس ثروتمندترین کشور جهان کنسورست که توانایی تولید دانش بیشتر را

دارا می‌باشد. به تعبیری دیگر کشورهایی که در زمینه نوآوری‌ها و فناوری‌ها پیشرفت‌هایی حاصل کرده‌اند سالانه درآمدهای فراوانی را از این حیث از آن خود می‌کنند و می‌توانند در کنار اخذ سیاست‌های کلان اقتصادی و تعیین قیمت‌های نسبی صحیح، نابرابری درآمد خود را بهبود بخشند و در نتیجه آن از رفاه اقتصادی بیشتری نیز برخوردار شوند. علاوه بر این از آنجا که قشر قابل توجه نوآوران در کشورهای در حال توسعه از اقشار متوسط و پایین جامعه می‌باشند قطعاً در صورت بهبود فضای نوآوری و هموار کردن این فضا شاهد افزایش ارزش افزوده، افزایش سهم این اقشار از تولید ناخالص داخلی و کاهش شاخص جینی خواهیم بود. ثانیاً، از یک طرف تولید محصولات فناورانه، به خصوص محصولاتی که در حیطه فناوری‌های پیشناز و پیشگام قرار می‌گیرند هزینه متوسط بسیار بالاتر از محصولاتی دارند که دارای فناوری سطح پایین‌تر هستند و از طرفی دیگر اگر اقشار متوسط و پایین جامعه با موانع متعددی برای استفاده از خدمات آموزش عالی ناشی از عدم تعیین قیمت‌های نسبی صحیح برای مؤلفه‌های دانش‌محور (همانند سرمایه انسانی) جهت گذراندن دوره آموزشی دانشگاهی مواجه باشند یا اینکه ناسازگاری مابین سیاست‌های کلان اقتصادی با نوآوری وجود داشته باشد شاهد ارتباط مثبت نوآوری با توزیع متعادل‌تر درآمد نخواهیم بود. لذا انتظار بر آن است کشورهای در حال توسعه با تدبیر صحیح و منطقی در ساختار اقتصادی خود شکاف قابل توجه خود را در فناوری‌های نوین و مؤلفه‌های دانش با کشورهای توسعه یافته کاهش دهند. همین امر در بلندمدت سبب می‌شود ساختار

اقتصادی آنان از اقتصاد منابع و سرمایه‌محور به اقتصاد دانش محور تغییر یابد. در نهایت این موضوع افزایش قدرت رقابت‌پذیری و کاهش نابرابری درآمد به نفع عامل نیروی کار به ویژه نیروی کار ماهر را نوید می‌دهد. در ادامه نیز به بررسی وضعیت و جایگاه مؤلفه‌های نوآوری در کشورهای OPEC و منتخب OECD می‌پردازیم.

نوآوری

مبنای ثروت آفرینی در اقتصاد امروز، دانش و تخصص است و کشورها با استفاده از عناصر نوآوری، دانش و اطلاعات ثروت می‌آفرینند. از این رو نوآوری مؤلفه‌ای است که به عنوان ضرورتی جهت ارتقاء سطح زندگی و رفاه انسان‌ها و جوامع مورد توجه صاحب‌نظران اقتصادی قرار گرفته است. لذا بررسی شاخص‌های نوآوری امری ضروری به نظر می‌رسد. در این مطالعه با توجه به مبانی نظری و مطالعات تجربی شاخص‌هایی چون تعداد مقالات علمی و فنی، تعداد پژوهشگران و محققان در بخش تحقیق و توسعه، مخارج تحقیق و توسعه، میزان ثبت اختراعات، حقوق مالکیت فکری و تعداد کاربران اینترنت در قالب شاخص‌های نوآوری مطرح می‌شوند. این شاخص‌ها ابزاری می‌باشند که به وسیله آن کشورهای OPEC بتوانند عملکرد خود را ارزیابی نمایند و نیز جایگاه خود را نسبت به کشورهای که از حیث عملکرد اقتصادی و فناوری پیشرفته‌تر می‌باشند، بسنجند. این امر در نهایت می‌تواند منجر به سیاست‌گذاری برای بهبود فعالیت‌های نوآوران و در نهایت کاهش نابرابری درآمد کشورهای مذکور شود.

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نوآوری بر نابرابری درآمد کشورهای اوپک و کشورهای منتخب توسعه یافته
ابوالفضل شاه‌آبادی، سارا ساریگل

تعداد مقالات علمی و فنی

امروزه علوم و فناوری نقش و اهمیت روزافزونی در توسعه جوامع داشته و جهان به سمت اقتصاد مبتنی بر دانش پیش می‌رود. توسعه همه جانبه و پایدار عمدتاً مبتنی بر توسعه فناوری و نیز بر پایه نوآوری و توسعه علمی صورت می‌گیرد، دستیابی به توسعه علمی نیز از طریق مطالعه و پژوهش میسر است. لذا جوامعی که منابع و امکانات بیشتری را به امر پژوهش اختصاص می‌دهند در امور مختلف اعم از سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و در فعالیتهای اقتصادی و صنعتی از نتایج مطالعات و تحقیقات استفاده بیشتری به عمل می‌آورند، موفقیت بیشتری دارند. از این رو شاخص تعداد مقالات به عنوان یکی از شاخص‌های نوآوری مطرح می‌گردد. بر اساس جدول ۲ تعداد مقالات علمی و فنی به ازای هر هزار نفر کشورهای نروژ، کره جنوبی و آلمان برای سال ۲۰۰۷ به ترتیب تقریباً ۲۰۲/۷۴، ۱۰۰/۳۴، ۱۰/۱۱ مقاله اعلام گردیده است و به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را در بین کشورهای OECD به خود اختصاص داده‌اند. در بین کشورهای OPEC نیز کشورهای عربستان سعودی و آنگولا در سال ۲۰۰۷ با ۶/۹۲۹ و ۰/۰۰۱ مقاله به ازای هزار نفر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین مقالات علمی و فنی هستند و کشور ایران توانسته رتبه خود را در معیار مذکور بهبود بخشد و جایگاه چهارم را در بین کشورهای OPEC احراز نماید. اکثر کشورهای در حال توسعه OPEC طی سال‌های اخیر توانسته‌اند در زمینه تولیدات علمی جایگاه خود را بهبود بخشند اما کشورهای مذکور هنوز از لحاظ

جدول ۲- تعداد مقالات علمی و فنی به ازای هر هزار نفر کشورهای OPEC و منتخب OECD طی دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۵ [ماخذ: ۲۶ و محاسبات تحقیق]

کشور	۱۹۹۵	میانگین دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۰	میانگین دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
اسپانیا	(۱۱) ۰.۶۲۰	(۱۰) ۰.۷۲۰	(۹) ۰.۸۴۳	(۹) ۰.۹۷۳	(۹) ۱.۰۳۴
استرالیا	(۱۰) ۰.۷۲۶	(۹) ۰.۷۵۰	(۱۰) ۰.۷۵۶	(۱۰) ۰.۸۳۱	(۱۰) ۰.۸۴۶
ایتالیا	(۴) ۷.۲۰۹	(۴) ۷.۷۵۶	(۴) ۸.۸۴۶	(۵) ۹.۶۸۴	(۴) ۹.۹۲۰
آلمان	(۳) ۷.۹۵۲	(۳) ۹.۱۰۹	(۳) ۹.۸۶۰	(۳) ۱۰.۱۲	(۳) ۱۰.۱۱
آمریکا	(۹) ۰.۷۲۶	(۱۱) ۰.۶۹۷	(۱۱) ۰.۶۷۹	(۱۱) ۰.۷۰۰	(۱۱) ۰.۶۹۵
ترکیه	(۱۲) ۰.۰۲۹	(۱۲) ۰.۰۴۳	(۱۲) ۰.۰۸۵	(۱۲) ۰.۱۱۸	(۱۲) ۰.۱۲۳
ژاپن	(۲) ۱۱.۲۲	(۲) ۱۱.۶۳	(۲) ۱۱.۰۸	(۴) ۹.۸۳۴	(۵) ۹.۳۴۲
سوئد	(۸) ۱.۰۵۱	(۸) ۱.۰۹۴	(۸) ۱.۱۰۵	(۸) ۱.۱۱۲	(۸) ۱.۰۸۳
فرانسه	(۵) ۵.۶۴۷	(۵) ۵.۹۳۰	(۷) ۵.۸۵۸	(۷) ۵.۹۲۷	(۷) ۵.۸۱۲
فنلاند	(۶) ۵.۲۵۶	(۶) ۵.۶۳۹	(۶) ۵.۹۹۹	(۶) ۶.۱۴۴	(۶) ۵.۹۲۷
کره جنوبی	(۷) ۱.۸۷	(۷) ۳.۵۰۰	(۵) ۷.۴۰۱	(۳) ۱۰.۰۰۷	(۳) ۱۰.۳۴
نروژ	(۱) ۱۶۹.۲۳	(۱) ۱۶۴.۵۵	(۱) ۱۶۶.۶۸	(۱) ۱۹۴.۷۰	(۱) ۲۰۲.۷۴
میانگین	۱۷.۶۲	۱۷.۶۱	۱۸.۲۶	۲۰.۸۵	۲۱.۵۰
آکوادور	(۱۱) ۰.۰۰۴	(۱۰) ۰.۰۰۴	(۱۰) ۰.۰۰۵	(۹) ۰.۰۰۴	(۱۰) ۰.۰۰۶
امارات	(۴) ۰.۰۵۱	(۴) ۰.۰۵۲	(۵) ۰.۰۵۲	(۵) ۰.۰۴۹	(۶) ۰.۰۳۹
ایران	(۸) ۰.۰۱۳	(۶) ۰.۰۲۲	(۴) ۰.۰۶۱	(۴) ۰.۱۲۰	(۴) ۰.۱۴۹
آنگولا	(۱۲) ۰.۰۰۰۲	(۱۲) ۰.۰۰۰۱	(۱۲) ۰.۰۰۰۲	(۱۰) ۰.۰۰۰۱	(۱۲) ۰.۰۰۰۱
الجزایر	(۹) ۰.۰۰۵	(۹) ۰.۰۰۵	(۸) ۰.۰۰۸	(۸) ۰.۰۱۲	(۹) ۰.۰۱۴
عراق	(۷) ۰.۰۱۴	(۸) ۰.۰۰۹	(۹) ۰.۰۰۷	(۷) ۰.۰۱۵	(۸) ۰.۰۱۶
عربستان سعودی	(۱) ۱۰۰.۰۰۲	(۱) ۸۶.۳۵	(۱) ۶۹.۰۸	(۱) ۶۵.۹۱	(۱) ۶۹.۲۹
قطر	(۱۰) ۰.۰۰۴	(۱۱) ۰.۰۰۳	(۱۱) ۰.۰۰۲	(۹) ۰.۰۰۴	(۱۱) ۰.۰۰۴
کویت	(۵) ۰.۰۴۱	(۵) ۰.۰۴۸	(۶) ۰.۰۴۷	(۵) ۰.۰۴۹	(۵) ۰.۰۴۶
لیبی	(۲) ۱.۰۹۵	(۲) ۰.۶۵۲	(۳) ۰.۵۸۳	(۲) ۰.۷۴۸	(۲) ۰.۸۶۲
نیجریه	(۳) ۰.۲۰۱	(۳) ۰.۱۸۷	(۳) ۰.۱۵۵	(۳) ۰.۱۶۳	(۳) ۰.۱۶۶
ونزوئلا	(۶) ۰.۰۱۹	(۷) ۰.۰۲۰	(۷) ۰.۰۲۰	(۶) ۰.۰۱۹	(۷) ۰.۰۱۸
میانگین	۰.۹۵۴	۰.۸۰۳	۰.۶۵۴	۰.۶۴۷	۰.۶۸۷

اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه کشورها در شاخص مورد نظر است.

جدول ۳- تعداد پژوهشگران و محققان کشورهای OPEC و منتخب OECD طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۹۶ (به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت) [ماخذ: ۲۶ و محاسبات تحقیق]

کشور	۱۹۹۶	میانگین دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۰	میانگین دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۵	میانگین دوره ۲۰۰۵-۲۰۰۸	۲۰۰۸
اسپانیا	(۷) ۱۳۰.۷	(۹) ۱۵۲.۶	(۹) ۲۱۷.۰	(۹) ۲۷۳.۳	(۹) ۲۹۴.۴
استرالیا	(۲) ۳۳۳.۲	(۵) ۳۳۷.۷	(۵) ۳۷۲.۱	(۵) ۴۲۲.۴	-
ایتالیا	(۶) ۱۳۳.۷	(۱۰) ۱۱۸.۶	(۱۰) ۱۲۳.۵	(۱۰) ۱۵۲.۲	۱۶۱.۵
آلمان	(۳) ۲۸۱.۲	(۶) ۲۹۶.۷	(۶) ۳۲۴.۰	(۸) ۳۴۱.۰	-
ترکیه	(۸) ۲۹.۰	(۱۱) ۳۰.۷	(۱۱) ۴۲.۲	(۱۱) ۶۰.۷	-
ژاپن	(۱) ۴۹۰.۸	(۲) ۵۰۷.۱	(۳) ۵۲۷.۹	(۳) ۵۵۵.۷	-
سوئد	-	(۳) ۴۳۳.۹	(۲) ۵۵۰.۸	(۲) ۵۶۶.۱	۵۲۳.۸
فرانسه	(۴) ۲۶۶.۰	(۷) ۲۷۲.۰	(۷) ۳۱۴.۴	(۷) ۳۴۱.۵	-
فنلاند	-	(۱) ۶۰۳.۱	(۱) ۷۴۴.۶	(۱) ۷۵۷.۸	۷۷۰.۶
کره جنوبی	(۵) ۲۲۰.۹	(۸) ۲۲۰.۰	(۸) ۳۰۹.۳	(۶) ۴۱۹.۸	-
نروژ	-	(۴) ۴۰۳.۵	(۴) ۴۵۷.۸	(۴) ۵۰۷.۹	۵۴۶.۷
میانگین	۲۳۵.۶	۳۰۶.۹	۳۶۲.۲	۳۹۹.۸	۴۵۹.۴
آکوادور	۸۴	۸۲	۴۵	(۴) ۷۱	-
ایران	-	-	-	(۱) ۷۰.۶	-
الجزایر	-	-	(۱) ۱۷۰	(۲) ۱۷۰	-
کویت	-	۱۶۲	(۳) ۱۴۲	(۳) ۱۴۹	-
میانگین	۸۴	۱۲۲	۱۱۹	۲۷۴	-

* کشورهای آمریکا، آنگولا، امارات، عراق، عربستان، قطر، لیبی، نیجریه و ونزوئلا به دلیل نداشتن آمار و اطلاعات از تجزیه و تحلیل حذف شده‌اند.
اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه کشورها در شاخص مورد نظر است.

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نوآوری بر نابرابری درآمد کشورهای اوپک و کشورهای منتخب توسعه یافته
ابوالفضل شاه‌آبادی، سارا ساری‌گل

تعداد مقالات علمی و فنی فاصله بسیار زیادی با کشورهای توسعه‌یافته OECD دارند. لازم به ذکر است در اکثر کشورهای توسعه‌یافته OECD همانند کشورهای ژاپن و آلمان که از وضع مطلوب‌تری در این شاخص برخوردارند در زمینه کاهش نابرابری درآمد نیز موفق‌تر عمل کرده‌اند. به نظر می‌رسد در اغلب کشورهای در حال توسعه به دلیل فقدان هماهنگی سیاست‌های کلان اقتصادی با سیاست‌های پژوهشی شاهد ارتباط ضعیف مابین مؤلفه‌های نوآوری با تجاری‌سازی آنان و در نتیجه توزیع نامتعادل‌تر درآمد می‌باشیم.

تعداد پژوهشگران و محققان

منابع انسانی از مهمترین عوامل در توسعه هر جامعه‌ای است و برای نیل به توسعه پایدار و متوازن جامعه، تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد یک اصل اساسی محسوب می‌شود. همچنین بر اساس نظر گودین^۱ (۲۰۰۴) هسته اصلی اقتصاد دانش‌محور، سرمایه انسانی خواهد بود که به طور اساسی ظرفیت ایجاد، نوآوری، تولید و بهره‌برداری از ایده‌های نوین به علاوه بکارگیری و مهارت‌های کارآفرینی و تجربه‌های پیشین را خواهد داشت [۲۷]. بر اساس جدول ۳ که تعداد پژوهشگران و محققان در کشورهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد، کشور فنلاند به طور متوسط در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۸ با ۷۵۷۸ پژوهشگر بهترین عملکرد را داشته است و رتبه اول را در بین کشورهای OECD کسب کرده است و پس از آن کشورهای ژاپن، سوئد و کره جنوبی به طور متوسط با ۵۵۵۷، ۵۶۶۱ و ۴۱۹۸ پژوهشگر در سال‌های

۲۰۰۵-۲۰۰۸ رتبه‌های دوم تا چهارم را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین رتبه آخر در بین کشورهای OECD با ۶۰۷ پژوهشگر به کشور ترکیه تعلق دارد. شاخص تعداد محققان در هر یک میلیون نفر جمعیت که نشان‌دهنده ظرفیت‌های انسانی موجود جهت انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه است برای کشورهای ایران، الجزایر و کویت به طور متوسط در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۸ به ترتیب معادل ۰،۷۰۶، ۱۷۰ و ۱۴۹ پژوهشگر در هر یک میلیون نفر محاسبه شده است که رتبه‌های اول تا سوم کشورهای OPEC را به خود اختصاص داده‌اند. در این شاخص نیز همانند شاخص‌های فوق شکاف عمیقی بین کشورهای در حال توسعه OPEC و توسعه‌یافته OECD وجود دارد. این در حالی است که در جهان امروز تنها کشورهایی به رشد و شکوفایی می‌رسند که از نظر پیشرفت علمی و همچنین تولید ثروت از علم، جایگاه قابل قبولی را در جهان به دست آورده‌اند. با مرور وضعیت اقتصادی کشورهای OECD نیز این موضوع به خوبی نمایان است که از اقتصاد پر رونقی برخوردار هستند. از اینرو می‌باید در امر تربیت نیروی انسانی نخبه و مهیا نمودن محیط مناسب برای ایجاد اقتصاد دانش‌محور و حفظ و نگاه‌داری نیروی انسانی نخبه از راه مشوق‌ها و نه با تهدید و تحدید، که از پیش نیازهای رشد و توسعه فناوری و نوآوری و افزایش تولید، بقا و پیشرفت در بازار جهانی و در نتیجه کاهش نابرابری درآمد است، اهتمام ورزید. البته توجه به این نکته حائز اهمیت است که صرف بهبود در تعداد پژوهشگران و محققان در کشورهای در حال توسعه OPEC

مخارج تحقیق و توسعه

در عصر کنونی فعالیت‌های R&D از منابع اصلی و عمده ایجاد تحولات دانش و فناوری می‌باشد. همچنین تنها از طریق شکل‌گیری فرایند نوآوری و تولید و فروش محصولات جدید یا به کارگیری فرایندهای جدید است که دانایی به ارزش، ثروت و در نهایت به رفاه جامعه تبدیل می‌شود. از سویی دیگر نوآوری و تحقیق و توسعه به شکل دوسویه با هم در ارتباط هستند، نوآوری سبب ایجاد تحقیق و توسعه می‌شود و تحقیق و توسعه زمینه‌ساز نوآوری است، این الگو در یک بنگاه باعث کاهش هزینه تولید و رشد بهره‌وری در بنگاه و انتقال فناوری از یک بنگاه به بنگاه دیگر و در نتیجه رشد ارزش افزوده در کل اقتصاد خواهد شد [۲۸]. از این رو سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه برای شرکت‌ها و ملت‌ها جهت تولید و نوآوری و رقابت برای آینده ضروری است [۲۹]. با توجه به جدول ۴ میزان انباشت مخارج تحقیق و توسعه آمریکا برای سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۷ به ترتیب برابر ۳۲۷۵/۲۳ و ۴۲۴۹/۱۱ میلیارد دلار محاسبه شده است و رتبه اول را بین کشورهای مورد مطالعه کسب کرده است. انباشت مخارج تحقیق و توسعه کشورهای ژاپن و آلمان در سال ۲۰۰۷ نیز معادل ۱۳۵۰/۵۹ و ۷۶۰/۶۸ میلیارد دلار بوده

1. Godin

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نوآوری بر نابرابری درآمد کشورهای اوپک و کشورهای منتخب توسعه یافته
ابوالفضل شاه‌آبادی، سارا ساریلی

جدول ۴- انباشت مخارج تحقیق و توسعه کشورهای OPEC و منتخب OECD طی دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۶ (برحسب میلیارد دلار به قیمت ثابت ۲۰۰۰ دلار) [ماخذ: ۲۶ و محاسبات تحقیق]

کشور	۱۹۹۶	متوسط دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۰	متوسط دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
اسپانیا	(۸) ۴۸.۷۷	(۹) ۵۲.۶۸	(۹) ۶۵.۱۱	(۹) ۷۹.۰۸	(۹) ۸۴.۴۶
استرالیا	(۷) ۷۶.۶۶	(۸) ۸۰.۶۱	(۸) ۹۲.۵۵	(۸) ۱۰۶.۷۰	(۸) ۱۱۲.۳۲
ایتالیا	(۴) ۱۶۰.۵۶	(۵) ۱۶۵.۸۹	(۵) ۱۸۰.۴۵	(۵) ۱۹۷.۱۹	(۵) ۲۰۰.۱۸
آلمان	(۳) ۶۱۷.۷۳	(۳) ۶۳۸.۲۵	(۳) ۶۹۷.۲۲	(۳) ۷۴۵.۲۳	(۳) ۷۶۰.۶۸
آمریکا	(۱) ۳۲۷۵.۲۲	(۱) ۳۴۱۷.۷	(۱) ۳۸۱۳.۰۱	(۱) ۴۱۴۰.۰۴	(۱) ۴۲۴۹.۹۱
ترکیه	(۱۲) ۷.۹۲	(۱۲) ۸.۵۶	(۱۲) ۱۰.۳۶	(۱۲) ۱۲.۷۲	(۱۲) ۱۴.۱۴
ژاپن	(۹) ۴۰.۸۹	(۹) ۲۹۵.۵۹	(۲) ۸۳۱.۴۹	(۲) ۱۲۳۳.۲۱	(۲) ۱۳۵۰.۵۹
سوئد	(۵) ۸۹.۶۴	(۶) ۹۶.۴۷	(۶) ۱۱۵.۸۵	(۷) ۱۳۱.۱۸	(۷) ۱۳۵.۵۹
فرانسه	(۳) ۴۸۴.۷۸	(۳) ۴۸۹.۷۱	(۴) ۵۰۸.۱۸	(۴) ۵۲۴.۷۵	(۴) ۵۲۹.۳۵
فنلاند	(۱۱) ۲۲.۶۸	(۱۱) ۳۵.۷۵	(۱۰) ۴۵.۰۲۲	(۱۰) ۵۰.۸۰	(۱۰) ۵۳.۳۵
کره جنوبی	(۶) ۸۷.۹۳	(۷) ۹۲.۶۰	(۷) ۱۰۸.۷۹	(۶) ۱۲۱.۷۷	(۶) ۱۲۴.۲۸
نروژ	(۱۰) ۳۹.۷۹	(۱۰) ۴۰.۹۴	(۱۱) ۴۳.۹۱	(۱۱) ۴۶.۳۸	(۱۱) ۴۷.۲۵
میانگین	۴۱۳.۵۵	۴۸۸.۵۳	۴۹۱.۰۵	۶۱۶.۵۹	۶۴۰.۰۷
اکوادور	(۵) ۰.۱۰۳	(۵) ۰.۱۰۵	(۵) ۰.۱۳	(۵) ۰.۲۸۷	(۵) ۰.۲۹۱
ایران	(۱) ۳.۵۴	(۱) ۳.۸۷	(۱) ۴.۰۶۲	(۱) ۵.۴۹۸	(۱) ۶.۰۱۱
الجزایر	(۳) ۰.۰۶	(۳) ۰.۰۶۱۲	(۲) ۰.۰۸۱۵	(۲) ۰.۰۸۱۶	(۲) ۰.۰۷۶۴
عربستان سعودی	(۴) ۰.۰۱۲	(۴) ۰.۰۱۶۸	(۴) ۰.۰۴۳۴	(۴) ۰.۰۶۶۶	(۴) ۰.۰۶۹۸
کویت	(۲) ۰.۷۵۴	(۲) ۰.۷۵۵	(۳) ۰.۷۲۱	(۳) ۰.۶۷۹	(۳) ۰.۶۶۴
میانگین	۰.۸۲۵	۰.۹۰۵	۱.۲۳۳	۱.۵۸۵	۱.۶۸۵

* کشورهای آنگولا، امارات، عراق، قطر، لیبی، نیجریه و ونزولا به دلیل نداشتن آمار و اطلاعات از تجزیه و تحلیل حذف شده‌اند.
اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه کشورها در شاخص مورد نظر است.

جدول ۵- نسبت انباشت مخارج تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی کشورهای OPEC و منتخب OECD طی دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۶ (برحسب درصد) [ماخذ: ۲۶ و محاسبات تحقیق]

کشور	۱۹۹۶	متوسط دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۰	متوسط دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
اسپانیا	(۱۰) ۱۰۰.۲	(۱۰) ۹.۹	(۱۱) ۱۰.۳	(۱۰) ۱۱.۱	(۱۱) ۱۱.۴
استرالیا	(۷) ۲۱.۸	(۷) ۲۱.۰۷	(۷) ۲۰.۵	(۷) ۲۱.۲	(۸) ۲۱.۵
ایتالیا	(۹) ۱۵.۹	(۹) ۱۵.۸	(۹) ۱۶.۰۴	(۹) ۱۶.۶	(۱۰) ۱۷.۱
آلمان	(۴) ۳۵.۵	(۴) ۳۵.۲	(۴) ۳۶.۱	(۴) ۳۶.۸	(۴) ۳۶.۲
آمریکا	(۳) ۳۹.۴	(۳) ۳۷.۶	(۳) ۳۶.۶	(۳) ۳۶.۱	(۳) ۳۶.۴
ترکیه	(۱۱) ۳.۳۸	(۱۲) ۳.۳۹	(۱۲) ۳.۶۵	(۱۱) ۳.۵۸	(۱۲) ۳.۸۰
ژاپن	(۱۲) ۰.۸۹	(۱۱) ۶.۴	(۱۰) ۱۷.۳	(۵) ۲۴.۲	(۶) ۲۵.۹
سوئد	(۱) ۴۲.۴	(۱) ۴۲.۳	(۱) ۴۴.۱	(۱) ۴۴.۵	(۱) ۴۴.۵
فرانسه	(۲) ۴۱.۳	(۲) ۳۹.۴	(۲) ۳۶.۹	(۴) ۳۵.۶	(۵) ۳۵.۱
فنلاند	(۵) ۳۲.۷	(۵) ۳۲.۲	(۵) ۳۴.۷	(۲) ۳۶.۸	(۲) ۳۶.۶
کره جنوبی	(۸) ۱۹.۰۸	(۸) ۱۹.۱	(۸) ۱۸.۱	(۸) ۱۸.۸	(۹) ۱۹.۳
نروژ	(۶) ۲۶.۹	(۶) ۲۵.۸	(۶) ۲۴.۸	(۶) ۲۴.۱	(۷) ۲۳.۹
میانگین	۲۴.۰۱	۲۴.۰۱	۲۴.۹۲	۲۵.۷۸	۲۵.۹۷
اکوادور	(۴) ۰.۰۶	(۴) ۰.۰۶	(۴) ۰.۰۷	(۲) ۱.۳۰	(۲) ۱.۲۹
ایران	(۱) ۲.۸۷	(۱) ۳.۰۵	(۱) ۳.۴۶	(۱) ۳.۹۱	(۱) ۳.۹۶
الجزایر	(۳) ۱.۲	(۳) ۱.۱	(۳) ۱.۳	(۳) ۱.۱	(۴) ۱.۰۴
عربستان سعودی	(۵) ۰.۰۷	(۵) ۰.۰۹	(۵) ۰.۰۲۱	(۴) ۰.۲۷	(۵) ۰.۲۹
کویت	(۲) ۲.۱	(۲) ۲.۰۹	(۲) ۱.۶	(۳) ۱.۱	(۳) ۱.۰۸
میانگین	۱.۳۶	۱.۳۸	۱.۴۵	۱.۵۳	۱.۵۳

* کشورهای آنگولا، امارات، عراق، قطر، لیبی، نیجریه و ونزولا به دلیل نداشتن آمار و اطلاعات از تجزیه و تحلیل حذف شده‌اند.
اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه کشورها در شاخص مورد نظر است.

در بالا بودن معیار مذکور است. اما وضعیت بودن روند شاخص‌های مذکور برای اکثر کلی قابل مشاهده در جدول ۴ و ۵ سعودی

که به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم را در بین کشورهای OECD به خود اختصاص داده‌اند. این شاخص برای کشور ترکیه در سال ۲۰۰۷ برابر ۱۴/۱۴ میلیارد دلار بوده که رتبه آخر را در بین کشورهای OECD به خود اختصاص داده است. در حالی که این شاخص برای ایران در سال ۲۰۰۷ معادل ۶/۱۱ میلیارد دلار محاسبه شده که در بین کشورهای OPEC رتبه اول را کسب کرده است. در جدول ۵ نیز نسبت انباشت مخارج تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی برای کشورهای مورد مطالعه تصویر شده است. این نسبت برای کشورهای سوئد و فنلاند در سال ۲۰۰۷ به ترتیب معادل ۴۴/۵ و ۳۶/۶ درصد می‌باشد که رتبه‌های اول و دوم را دارا می‌باشند و این نسبت برای ترکیه معادل ۳/۸۰ درصد محاسبه شده است که در بین کشورهای OECD وضعیت مطلوبی ندارد و رتبه دوازدهم را دارا می‌باشد. همچنین نسبت انباشت مخارج تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی برای ایران در سال ۲۰۰۷، ۳/۹۶ درصد اعلام شده و رتبه اول را در بین کشورهای OPEC به دست آورده است. شایان ذکر است این جایگاه برای کشور ایران جایگاه مناسبی نبوده و با اهداف ترسیم شده در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فنی در منطقه آسیای جنوب غربی و همچنین دستیابی به رتبه اول بر اساس شاخص نوآوری و فناوری فاصله زیادی دارد. عربستان نیز با شاخصی معادل ۰/۲۹ درصد رده آخر را در بین کشورهای مورد مطالعه به خود اختصاص داده است. نکته حائز اهمیت آنکه یکی از عوامل پیشرفته بودن کشورهای OECD

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نوآوری بر نابرابری درآمد کشورهای اوپک و کشورهای منتخب توسعه یافته ابوالفضل شاه‌آبادی، سارا ساری‌گل

جدول ۶- تعداد درخواست‌های ثبت اختراعات افراد ساکن به ازای هر هزار نفر کشورهای OPEC و منتخب OECD طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۹۵ [ماخذ: ۲۶ و محاسبات تحقیق]

کشور	۱۹۹۵	میانگین دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۰	میانگین دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۵	میانگین دوره ۲۰۰۵-۲۰۰۹	۲۰۰۹
اسپانیا	(۱۰) ۰۰۰۵۱	(۱۱) ۰۰۰۵۸	(۱۰) ۰۰۰۶۶	(۱۱) ۰۰۰۷۴	(۱۱) ۰۰۰۷۸
استرالیا	(۹) ۰۰۰۹۸	(۹) ۰۰۰۹۸	(۹) ۰۰۱۱۷	(۹) ۰۰۱۲۷	(۱۰) ۰۰۱۱۳
ایتالیا	-	(۱۰) ۰۰۰۶۱	(۱۱) ۰۰۰۲۳	(۱۰) ۰۰۰۸۹	(۹) ۰۰۱۴۶
آلمان	(۳) ۰۰۴۶۶	(۳) ۰۰۵۵۵	(۴) ۰۰۵۹۴	(۴) ۰۰۵۸۷	(۴) ۰۰۵۸۴
آمریکا	(۴) ۰۰۴۶۵	(۴) ۰۰۴۸۴	(۳) ۰۰۶۴۱	(۳) ۰۰۷۴۷	(۳) ۰۰۷۳۲
ترکیه	(۱۱) ۰۰۰۰۲	(۱۲) ۰۰۰۰۳	(۱۲) ۰۰۰۰۷	(۱۲) ۰۰۰۲۴	(۱۲) ۰۰۰۳۵
ژاپن	(۱) ۲۶۶	(۱) ۲۸۰۰	(۱) ۲۹۱۲	(۱) ۲۶۲۱	(۲) ۲۳۱۵
سوئد	(۵) ۰۰۴۴۶	(۵) ۰۰۴۶۱	(۶) ۰۰۳۶۹	(۶) ۰۰۲۶۷	(۷) ۰۰۲۳۵
فرانسه	(۸) ۰۰۲۰۸	(۸) ۰۰۲۲۰	(۸) ۰۰۲۲۳	(۸) ۰۰۲۲۶	(۸) ۰۰۲۱۸
فنلاند	(۶) ۰۰۴۰۲	(۶) ۰۰۴۵۸	(۵) ۰۰۴۱۴	(۵) ۰۰۳۴۲	(۵) ۰۰۳۳۸
کره جنوبی	(۲) ۱۳۱۳	(۲) ۱۳۵۴	(۲) ۱۳۸۸	(۲) ۲۶۰۳	(۱) ۲۶۱۱
نروژ	(۷) ۰۰۲۵۸	(۷) ۰۰۲۸۳	(۷) ۰۰۲۵۷	(۷) ۰۰۲۴۹	(۶) ۰۰۲۵۸
میانگین	۰۰۵۷۹	۰۰۵۶۹	۰۰۶۲۵	۰۰۶۶۳	۰۰۶۳۸
اکوادور	(۵) ۰۰۰۰۷	(۵) ۰۰۰۰۶	(۴) ۰۰۰۰۸	(۴) ۰۰۰۰۴	۰۰۰۰۴
ایران	(۱) ۰۰۰۰۴	(۱) ۰۰۰۰۵	(۱) ۰۰۰۰۳	(۱) ۰۰۰۰۸	-
الجزایر	(۴) ۰۰۰۰۹	(۴) ۰۰۰۰۱	(۳) ۰۰۰۰۱	(۳) ۰۰۰۰۱	-
عراق	(۲) ۰۰۰۰۳	(۴) ۰۰۰۰۱	-	-	-
عربستان سعودی	(۳) ۰۰۰۰۱	(۳) ۰۰۰۰۲	(۲) ۰۰۰۰۳	(۲) ۰۰۰۰۲	-
لیبی	(۳) ۰۰۰۰۱	(۵) ۰۰۰۰۶	-	-	-
ونزوئلا	-	(۲) ۰۰۰۰۳	(۵) ۰۰۰۰۳	-	-
میانگین	۰۰۰۰۱	۰۰۰۰۱	۰۰۰۰۵	۰۰۰۰۷	۰۰۰۰۴

* کشورهای آنگولا، امارات، کویت، قطر، نیجریه و ونزولا به دلیل نداشتن آمار و اطلاعات از تجزیه و تحلیل حذف شده‌اند.
* اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه کشورها در شاخص مورد نظر است.

افزایش بهره‌وری و تولید ثروت از علم و فناوری می‌تواند موجب کاهش نابرابری درآمد به ویژه در کشورهای در حال توسعه شود.

میزان ثبت اختراعات

تعداد اختراعات و اکتشافات به ثبت رسیده به تفکیک ملی و بین‌المللی به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های ارزیابی نظام نوآوری و فناوری در نظر گرفته شده است. مطابق جدول ۶ کشورهای ژاپن، کره جنوبی و آمریکا در بین کشورهای OECD در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۵ به طور متوسط با ۲/۶۲۱، ۲/۶۰۳ و ۰/۷۴۷ اختراع به ازای هر هزار نفر جزء بهترین کشورهای OECD در شاخص ثبت اختراعات بوده و به ترتیب در رتبه‌های

اجرای به ایجاد این هماهنگی و از سوی دیگر در نبود ساز و کارهای لازم در بخش‌ها، سازمان‌ها و بنگاه‌ها برای شناسایی توانایی‌های پژوهشی و بهره‌برداری از آنها دانست. از این رو به منظور تخصیص بهینه منابع و سودآور نمودن فعالیت‌های تحقیقاتی جهت انتقال منابع به سمت فعالیت‌های تحقیق و توسعه به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر نوآوری باید از طریق هماهنگی مابین سیاست‌های کلان اقتصادی با سیاست‌های علمی- پژوهشی اقدام به اصلاح قیمت نسبی عوامل به نفع مؤلفه‌های دانش‌محور (تحقیق و توسعه و سرمایه انسانی) نمود. زیرا توجه به مقوله تحقیق و توسعه به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های نوآوری به منظور ایجاد اشتغال‌های مولد و کارآفرینی،

بالا رفتن اهمیت D&R در همه کشورهاست. با این وجود وضعیت فعلی شاخص‌های فوق در کشورهای در حال توسعه OPEC نشان دهنده ضرورت تلاش جدی جهت دستیابی به پیشرفت‌های فناورانه و کاهش شکاف فناوری جهت کسب مزیت رقابتی در بازارهای جهانی است. رتبه کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه بر اساس معیار فوق حاکی از آن است که به رغم داشتن پتانسیل‌های بالقوه فراوان برای ارتقای ظرفیت علمی و نوآوری، این پتانسیل‌ها هنوز نتوانسته‌اند به محصولات نهایی و اثرگذار در جامعه (مانند تولید محصولات صنعتی، تولید کالاهای سرمایه‌ای به عنوان محصولات نظام نوآوری) تبدیل شوند و به عبارتی به نظر می‌رسد به دلایل متعددی از قبیل: اتکای بیش از حد منابع مالی بخش پژوهش به دولت و ناکافی بودن سهم اعتبارات و خرید دانش فنی و فناوری ارزان قیمت به پشتوانه فروش ثروت‌های نفتی و احساس بی‌نیازی از سرمایه‌گذاری در تحقیقات توسط برخی از دولت‌مردان، تقاضامحور نبودن فعالیت‌های تحقیقاتی ناشی از فقدان انگیزه کافی در بخش‌های صنعتی و اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در تحقیقات، عدم همکاری و ارتباط مؤثر میان دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و بخش‌های صنعتی و اقتصادی و... شاهد اندک بودن میزان انباشت تحقیق و توسعه کشورهای OPEC در قیاس با کشورهای OECD هستیم. دلایل بروز و ادامه این تنگنا را باید از یکسو در عدم هماهنگی سیاست‌های کلان اقتصادی با سیاست‌های علمی- آموزشی و پژوهشی و عدم آمادگی و تمایل جامعه

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نوآوری بر نابرابری درآمد کشورهای اوپک و کشورهای منتخب توسعه یافته
ابوالفضل شاه‌آبادی، سارا ساریگل

جدول ۷- شاخص گینارت- پارک کشورهای OPEC و منتخب OECD طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۶۰ [۳۱]

کشور	میانگین دوره ۱۹۶۰-۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۵
اسپانیا	(۸) ۲.۷۴	(۵) ۴.۲۱	(۵) ۴.۳۳	(۵) ۴.۳۳
استرالیا	(۱۱) ۱.۶۰	(۹) ۲.۷۳	(۹) ۳.۹۸	(۸) ۳.۹۸
ایتالیا	(۴) ۳.۱۶	(۴) ۴.۳۳	(۲) ۴.۶۷	(۲) ۴.۶۷
آلمان	(۳) ۳.۲۴	(۶) ۴.۱۷	(۴) ۴.۵۰	(۴) ۴.۵۰
آمریکا	(۱) ۴.۱۴	(۱) ۴.۸۸	(۱) ۴.۸۸	(۱) ۴.۸۸
ترکیه	(۱۲) ۱.۱۶	(۱۰) ۲.۶۵	(۷) ۴.۰۱	(۷) ۴.۰۱
ژاپن	(۵) ۲.۹۳	(۳) ۴.۴۲	(۲) ۴.۶۷	(۲) ۴.۶۷
سوئد	(۶) ۲.۸۶	(۳) ۴.۴۲	(۳) ۴.۵۴	(۳) ۴.۵۴
فرانسه	(۲) ۳.۲۹	(۲) ۴.۵۴	(۲) ۴.۶۷	(۲) ۴.۶۷
فنلاند	(۹) ۲.۶۴	(۳) ۴.۴۲	(۳) ۴.۵۴	(۲) ۴.۶۷
کره جنوبی	(۱۰) ۲.۵۵	(۷) ۳.۸۹	(۶) ۴.۱۳	(۵) ۴.۳۳
نروژ	(۷) ۲.۷۵	(۸) ۳.۸۸	(۸) ۴.۰۰	(۶) ۴.۱۷
میانگین	۲.۷۵	۴.۰۴	۴.۴۱	۴.۴۵
اکوادور	(۶) ۱.۱۶	(۵) ۲.۰۴	(۱) ۳.۷۳	(۱) ۳.۷۳
ایران	(۴) ۱.۹۱	(۶) ۱.۹۱	(۶) ۱.۹۱	(۶) ۱.۹۱
الجزایر	(۱) ۲.۷۴	(۳) ۲.۷۴	(۳) ۳.۰۷	(۳) ۳.۰۷
عراق	(۳) ۱.۹۵	(۴) ۲.۱۲	(۵) ۲.۱۲	(۷) ۱.۷۸
عربستان سعودی	(۵) ۱.۸۳	(۷) ۱.۸۳	(۷) ۱.۸۳	(۴) ۲.۹۸
نیجریه	(۲) ۲.۵۰	(۱) ۲.۸۶	(۴) ۲.۸۶	(۲) ۳.۱۸
ونزوئلا	(۷) ۰.۹۲	(۲) ۲.۸۲	(۲) ۳.۳۲	(۵) ۲.۳۲
میانگین	۱.۸۵	۲.۳۳	۲.۶۹	۲.۶۳

*کشورهای انگولا، امارات، قطر، کویت و لیبی به دلیل نداشتن آمار و اطلاعات از تجزیه و تحلیل حذف شده‌اند.
*اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه کشورها در شاخص مورد نظر است.

اول تا سوم قرار گرفته‌اند. ایران نیز به طور متوسط با ۰/۰۲۸ اختراع به ازای هر هزار نفر در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۵ نسبت به سایر کشورهای OPEC موفق‌تر عمل کرده است و رتبه اول را در بین کشورهای OPEC به خود اختصاص داده است. اکوادور نیز به طور متوسط با ۰/۰۰۴ اختراع به ازای هر هزار نفر جزء ضعیف‌ترین کشور OPEC در این حوزه می‌باشد. با توجه به ارقام جدول، کشورهای در حال توسعه OPEC، سهم قابل توجهی در آمار ثبت اختراعات دنیا ندارند و حتی بعضی از آنان، سهم بسیار ناچیزی را به خود اختصاص داده‌اند که این امر نه تنها ضعف بسترهای علمی و نوآوری را در این کشورها نشان می‌دهد بلکه ضعف حضور آنها را نیز در عرصه صنعت و تولید جهانی فناوری متذکر می‌شود. در نتیجه با توجه به ضعف این کشورها در عرصه صنعت و تولید، حضور کم‌رنگ آنها در عرصه تجارت بین‌الملل و توزیع نامتعادل تر درآمد نیز قابل پیش‌بینی خواهد بود.

حقوق مالکیت فکری

حمایت از حقوق مالکیت فکری، امری است که در دنیای کنونی اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته و لازمه تولید علم و دانش و تبدیل دانش تولید شده به نوآوری و فناوری و در نهایت تبدیل به ثروت، وجود فضا و بستر امن و مناسبی است که در آن از یکسو صاحب فکر و اندیشه احساس کند که منتفع از دستاوردها و تراوشات فکری خود است و از سوی دیگر جامعه بتواند به شیوه مناسبی به این دستاوردها دسترسی پیدا کند. همچنین بر اساس نظر کالانده^۱ (۲۰۰۲) تشکیل

نظام حقوق مالکیت فکری مؤثر انگیزه‌ای برای تولید، خلق دانش جدید و انتشار آن است [۳۰]. شاخص حقوق مالکیت فکری در مطالعات جهانی به طور عمومی توسط دو شاخص مهم راپ و روزک^۲ (۱۹۹۰) و شاخص گینارت-پارک^۳ سنجش می‌شود. اما شاخص گینارت-پارک به دلیل برخی مزیت‌های قابل توجه استفاده گسترده‌تری دارد. از اینرو در این مطالعه برای سنجش شدت IPR^۴ از شاخص گینارت پارک بهره برده‌ایم. بر اساس جدول ۷، کشور آمریکا در تمامی دوره‌ها با شاخصی معادل ۴/۸۸ در سال ۲۰۰۵ بهترین عملکرد را در بین کشورهای مورد مطالعه داشته است. شاخص فوق در

1. Kalande
2. Rapp & Rozek

3. Ginarte & Park
4. Intellectual Property Rights

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نوآوری بر نابرابری درآمد کشورهای اوپک و کشورهای منتخب توسعه یافته
ابوالفضل شاه‌آبادی، سارا ساری‌گل

جدول ۸- تعداد کاربران اینترنت کشورهای OPEC و منتخب OECD طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۹۵
(به ازای هر صد نفر) [ماخذ: ۲۶ و محاسبات تحقیق]

کشور	میانگین دوره ۱۹۹۰-۱۹۹۵	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۵
اسپانیا	(۸) ۲.۷۴	(۵) ۴.۲۱	(۵) ۴.۳۳	(۵) ۴.۳۳
استرالیا	(۱۱) ۱.۶۰	(۹) ۲.۷۳	(۹) ۳.۹۸	(۸) ۳.۹۸
ایتالیا	(۴) ۳.۱۶	(۴) ۴.۳۳	(۲) ۴.۶۷	(۲) ۴.۶۷
آلمان	(۳) ۳.۲۴	(۶) ۴.۱۷	(۴) ۴.۵۰	(۴) ۴.۵۰
آمریکا	(۱) ۴.۱۴	(۱) ۴.۸۸	(۱) ۴.۸۸	(۱) ۴.۸۸
ترکیه	(۱۲) ۱.۱۶	(۱۰) ۲.۶۵	(۷) ۴.۰۱	(۷) ۴.۰۱
ژاپن	(۵) ۲.۹۳	(۳) ۴.۴۲	(۲) ۴.۶۷	(۲) ۴.۶۷
سوئد	(۶) ۲.۸۶	(۳) ۴.۴۲	(۳) ۴.۵۴	(۳) ۴.۵۴
فرانسه	(۲) ۳.۲۹	(۲) ۴.۵۴	(۲) ۴.۶۷	(۲) ۴.۶۷
فنلاند	(۹) ۲.۶۴	(۳) ۴.۴۲	(۳) ۴.۵۴	(۲) ۴.۶۷
کره جنوبی	(۱۰) ۲.۵۵	(۷) ۳.۸۹	(۶) ۴.۱۳	(۵) ۴.۳۳
نروژ	(۷) ۲.۷۵	(۸) ۳.۸۸	(۸) ۴.۰۰	(۶) ۴.۱۷
میانگین	۲.۷۵	۴.۰۴	۴.۴۱	۴.۴۵
اکوادور	(۶) ۱.۱۶	(۵) ۲.۰۴	(۱) ۳.۷۳	(۱) ۳.۷۳
ایران	(۴) ۱.۹۱	(۶) ۱.۹۱	(۶) ۱.۹۱	(۶) ۱.۹۱
الجزایر	(۱) ۲.۷۴	(۳) ۲.۷۴	(۳) ۳.۰۷	(۳) ۳.۰۷
عراق	(۳) ۱.۹۵	(۴) ۲.۱۲	(۵) ۲.۱۲	(۷) ۱.۷۸
عربستان سعودی	(۵) ۱.۸۳	(۷) ۱.۸۳	(۷) ۱.۸۳	(۴) ۲.۹۸
نیجریه	(۲) ۲.۵۰	(۱) ۲.۸۶	(۴) ۲.۸۶	(۲) ۳.۱۸
ونزوئلا	(۷) ۰.۹۲	(۲) ۲.۸۲	(۲) ۳.۳۲	(۵) ۲.۳۲
میانگین	۱.۸۵	۲.۳۳	۲.۶۹	۲.۶۳

* کشورهای آنگولا، امارات، قطر، کویت و لیبی به دلیل نداشتن آمار و اطلاعات از تجزیه و تحلیل حذف شده‌اند.
* اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه کشورها در شاخص مورد نظر است.

با شاخصی معادل ۱/۹۱ در سال ۲۰۰۵، جایگاهی بهتر از ششم کسب نکرده است. در نهایت می‌توان بیان داشت وضعیت اغلب کشورهای OPEC در شاخص حقوق مالکیت فکری نامطلوب و ضعیف می‌باشد. در حالی که کشورهای همانند آمریکا، ژاپن، فرانسه و آلمان که به تقویت نظام IPR خود بها داده‌اند، در فعالیت‌های نوآورانه عملکرد بهتری دارند. به نظر می‌رسد حقوق مالکیت فکری دو اثر متفاوت بر نابرابری درآمد داشته باشد: از یکسو از آنجاکه امروزه توانایی دستیابی به نوآوری‌ها به عنوان نخستین گام برای تبدیل دانش به ثروت شناخته شده است لذا حمایت از فعالیت‌های نوآورانه می‌تواند موجب کاهش نابرابری درآمد به ویژه در اقتصاد کشورهای در حال توسعه OPEC شود و از سویی دیگر ممکن است، حمایت از حقوق مالکیت فکری به دلیل افزایش قیمت کالاها و خدمات و فناوری‌ها ناشی از انحصار، موجب افزایش نابرابری درآمد شود. البته باید خاطر نشان ساخت، منفی بودن اثر حقوق مالکیت فکری بر نابرابری درآمد به این معنا نیست که کشورهای در حال توسعه OPEC به ویژه ایران نبایستی به این مؤلفه حیاتی و جدی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و حقوقی خود اهمیتی دهند، بلکه عکس این مطلب صحیح است به این دلیل که حمایت قوی و مؤثر از حقوق مالکیت فکری به ویژه در سطح فعالان در اقتصاد داخلی سنگ بنایی است برای ایجاد سرمایه‌گذاری سالم در تحقیقات، علم و فناوری که یک رشته مزایای بلندمدت اقتصادی به دنبال دارد که در نهایت می‌تواند به توزیع متعادل‌تر درآمد منجر شود.

تعداد کاربران اینترنت

اختصاص داده‌اند. در حالی که تعداد کاربران اینترنت در این کشورها در سال ۱۹۹۵ به ترتیب ۶ و ۵ نفر بوده است. علاوه بر این کشورهایی همچون کره جنوبی، استرالیا و ژاپن در سال ۲۰۰۹ به ترتیب با ۸۰، ۷۲ و ۷۷ کاربر، نسبت به سال ۱۹۹۵ به پیشرفت خیره‌کننده‌ای در ارتقای شاخص مذکور دست یافته‌اند. رتبه آخر نیز با ۳۵ کاربر در سال ۲۰۰۹ در بین کشورهای OECD، به کشور ترکیه تعلق دارد. همچنین امارات متحده عربی با ۸۲ کاربر اینترنت در سال ۲۰۰۹، رتبه اول را در بین کشورهای OPEC به دست آورده است، در حالی که عراق با یک کاربر در سال ۲۰۰۹ ضعیف‌ترین عملکرد را

زیرساخت‌های مناسب اطلاعاتی و ارتباطی از ابزارهای اولیه نوآوری می‌باشد چرا که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید از جمله اینترنت، محققان را قادر نموده‌اند که در مکان‌های مختلف با هم کار کنند که در نتیجه بهره‌وری محققان را ارتقا داده و منجر به پیشرفت‌های سریع در تحقیق و توسعه، تکثیر دانش و نوآوری‌های جدید می‌گردند. مطابق جدول ۸ که بیانگر تعداد کاربران اینترنت به ازای هر صد نفر به عنوان یکی از شاخص‌های نوآوری می‌باشد، کشورهای نروژ و سوئد در سال ۲۰۰۹ با ۹۱ و ۹۰ کاربر، جایگاه اول و دوم را در بین کشورهای OECD به خود

کلان اقتصادی با سیاست‌های علمی- پژوهشی و آموزشی؛
- اعطای وام‌های با نرخ سود پایین به پروژه‌های مبتنی بر نوآوری که از مخاطرات کمتری برخوردار هستند و همچنین اعطای یارانه به پروژه‌های مبتنی بر نوآوری که پرمخاطره هستند؛
- فرهنگ‌سازی و مطرح نمودن لزوم رعایت حقوق مالکیت فکری به عنوان یکی از چالش‌های اساسی حقوقی جهت انجام مطلوب همکاری‌های ملی و بین‌المللی و توسعه نوآوری؛
- تدوین بانک‌های اطلاعاتی کارآمد در خصوص اطلاع‌رسانی اختراعات و دستاوردهای تحقیقاتی قابل تجاری‌سازی در سطوح ملی و بین‌المللی؛
- توسعه امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات در سیستم آموزش و پرورش و آموزش عالی؛
- ایجاد انگیزه از طریق حمایت مالی از محققان برای انجام تحقیقات و مطالعات علمی به منظور افزایش تعداد مقالات علمی و فنی در راستای افزایش انباشت دانش.

بررسی و ریشه‌های پدید آمدن آن جستجو شود. از طرفی جهان امروز جهان نوآوری‌هاست و افزایش رقابت و انگیزه بقاء، کشورها در تمامی سطوح توسعه را بر آن داشته تا فعالیت‌های خود را بر اساس تولیدات و توانمندی‌های محوری متمرکز کنند که این امر مستلزم سرمایه‌گذاری به منظور ایجاد نوآوری‌های فناورانه است. بنابراین با توجه به اهمیت و ارتباط مسئله نوآوری با توزیع درآمد، تحقیق حاضر به بررسی اثر نوآوری بر نابرابری درآمد پرداخته است. نتایج تحلیل حاضر نشان داد، کشورهای درحال توسعه OPEC در قیاس با کشورهای OECD در شاخص‌های جینی و نوآوری در شرایط مطلوبی قرار ندارند. همچنین نتایج مطالعه حاکی از آن است که اکثر کشورهای توسعه‌یافته OECD که در بهبود شاخص‌های نوآوری موفق‌تر عمل کرده‌اند، دارای توزیع درآمد بهتری هستند. از این رو نظر به اینکه رشد دانش و توسعه اقتصاد دانش‌محور به خلق ایده‌های جدید و نوآوری نیاز دارد و در اقتصاد دانش‌محور، تولید، توزیع و کاربرد دانش در تمامی صنایع، عامل محرکه رشد اقتصادی، تولید ثروت، اشتغال و در نهایت کاهش نابرابری درآمد است، بایستی کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه به این مؤلفه جدی و حیاتی در سیاست‌گذاری‌های خود اهمیت ویژه‌ای بدهند. لذا در ادامه پیشنهادهایی به منظور بهبود شاخص‌های تعیین‌کننده نوآوری در کشورهای در حال توسعه ارائه می‌گردد:
- تغییر جهت سیاست‌گذاری‌ها از رویکرد اقتصاد منابع محور به اقتصاد دانش‌محور از طریق همسوسازی بیشتر سیاست‌های

داشته و رتبه نهم را به خود اختصاص داده است. همچنین این شاخص برای ایران به ترتیب برای سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۹ معادل صفر و ۳۸ نفر به ازای هر صد نفر بوده است و توانسته رتبه خود را در بین کشورهای OPEC از پنجم به سوم ارتقا دهد. در این شاخص نیز شکاف عمیقی بین کشورهای OPEC و OECD وجود دارد. در حالی که کشورهای توسعه‌یافته‌ای همچون ژاپن، سوئد و... که در میزان کاربران اینترنت با رشد مواجه بودند، فعالیت‌های نوآورانه بیشتری دارند. به جرأت می‌توان بیان داشت سهم قابل توجهی از درآمد سرانه کشورهای OPEC از فروش منابع نفتی تأمین می‌گردد اما اقتصاد دانش‌محور یعنی فاصله گرفتن از درآمد نفت، منابع زیرزمینی و خام و حرکت به سمت ایجاد ثروت از طریق تولید و فروش فناوری که خود می‌تواند موجب کاهش نابرابری درآمد گردد. لذا کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه بایستی در مسیر حرکت از اقتصاد منابع‌محور به سوی اقتصاد دانش‌محور و تسهیل زمینه فعالیت‌های نوآورانه و کاهش نابرابری درآمد، توجه جدی جهت هموار کردن زیرساخت‌های متغیر مذکور (افزایش تعداد کاربران اینترنت) چه از لحاظ سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بنمایند.

نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

نابرابری درآمد از جمله پدیده‌هایی است که به لحاظ کارکرد و پیامدهایی که دارد با اثرگذاری بر ساختار جامعه می‌تواند ثبات و پایداری نظام اجتماعی - اقتصادی را به مخاطره اندازد از این رو این مسئله سبب گردیده این پدیده از دیدگاه‌های گوناگون

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نوآوری بر نابرابری درآمد کشورهای اوپک و کشورهای منتخب توسعه یافته
ابوالفضل شاه‌آبادی، سارا ساری‌گل

منابع

- ۱- دهمرده، نظر، صفدری، مهدی و شهیکی تاش، مهیم "تأثیر شاخص‌های کلان بر توزیع درآمد در ایران"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۴، صص ۲۵-۵۵، بهار ۱۳۸۹.
2. Drucker, P, Innovation and Entrepreneurship, Harper and Row, New York, 1985.
- ۳- نوروزی، عبدالرضا، حسن‌زاده، محمد و نورمحمدی، حمزه علی "سنجش علم، فناوری و نوآوری (مفاهیم و شاخص‌های بین‌المللی)"، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۴- نوفرستی، محمد و محمدی، فردین "بررسی اثرات شوک‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال سیزدهم، شماره ۳۸، صص ۳۱-۵۲، بهار ۱۳۸۸.
5. OECD, Dynamiting National Innovation Systems, Paris, 2002.
6. Mansury, M. A. and James, H. L., Innovation, Productivity and Growth in US Business Services, Tec novation, Vol. 28, pp. 52-62, 2008.
7. Mckeown, M, The Truth about Innovation Pearson, Financial Times, 2008, Available At: <http://www.pearsoned.co.uk/bookshop/detail.asp?item=10000000276323>
8. Afuah, A, Innovation Management, Oxford University Press, 1988.
9. Morel, L. and Boly, V, Mastering the Innovativeness Potential: Results of an Expert Consultation?, Read - Revista Electronica De Administração, Special Issue on MOT, Vol. 10, No. 6, pp. 51-66, 2004.
10. Khalil, T, Management of Technology: the Key to Competitiveness and Wealth Creation, McGraw-Hill, 2000, Available At: <http://newarrivals.nlb.gov.sg/itemdetail.aspx?bid=9659641>
11. Lundvall, B. A, National System of Innovation: Towards a Theory of Innovation and Interactive Learning, Pinter, London, 1992, Available At: <http://ideas.repec.org/a/eee/respol/v24y1995i2p320-320.html>
12. Nelson, R, National Innovation System: a Comparative Analysis, Oxford University Press, 1993, Available At: <http://www.amazon.com/National-Innovation-Systems-ComparativeAnalysis/dp/01950761763>
13. Edquist, C, Systems of Innovation: Perspectives and Challenges, the Oxford Handbook of Innovation, pp. 181-208, 2005, Available At: http://www.oxfordhandbooks.com/oso/public/content/oho_business/9780199286805/oxfordhb-9780199286805-chapter-7.html.
14. Johnson, A, Functions in Innovation System Approaches, Paper Prepared for the DRUID, 2001, Available At: <http://www.druid.dk>.
15. Lundvall, B. A, National Innovation Systems: Analytical Concept and Development Tool, Industry and Innovation, Vol. 14, No. 1, pp. 95-119, 2007.
16. Ozan, H, An Empirical Analysis of the Relationship between Inequality and Innovation in a Schumpeterian Framework, Munich Personal RePEc Archive, No. 7856, 2008, Available At: <http://mpra.ub.uni-muenchen.de/7856/>.
17. Cook, P. and Uchida, Y, Structural Change, Innovation and Income Distribution, Centre on Regulation and Competition University of Manchester, 2006, Available At: http://www.competition-regulation.org.uk/conferences/Brazil/Papers/Cook_Uchida.pdf.
18. Weinhold, D. and Reichert, U. N, Innovation, Inequality and Intellectual Property Rights, 2005, Available At: <http://ideas.repec.org/a/eee/wdevel/v37y2009i5p889-901.html>
19. Shen, L, Education, Income Distribution and Innovation, Bonn Econ Discussion Papers, No. 11, 2004, Available At: http://econpapers.repec.org/paper/bonbondep/bgse11_5f2004.htm
- ۲۰- حسینی، سیده مریم و نجفی، سیدعباس "توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران (۱۳۶۳-۸۶)"، فصلنامه تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۱، شماره سوم، صص ۱۴۷-۶۵، پاییز ۱۳۸۸.
- ۲۱- داوودی، پرویز و براتی، محمدعلی "بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۳، صص ۲۸۳-۳۲۲، تابستان ۱۳۸۶.
- ۲۲- ابونوری، اسمعیل و خوشکار، آرش "اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران: مطالعه بین استانی"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۷، صص ۶۵-۹۵، بهمن و اسفند ۱۳۸۵.
- ۲۳- زیبایی، حسن "ارزیابی سهم عوامل تعیین کننده نابرابری و توزیع درآمد در ایران"، مجله برنامه و بودجه، شماره ۹۱، صص ۲۹-۶۸، خرداد و تیر ۱۳۸۴.
- ۲۴- مهرگان، نادر و احمدی، علی محمد "تأثیر سیاست‌های تعدیل اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۰، صص ۲۰۹-۲۳۲، پاییز ۱۳۸۴.
- ۲۵- جرجزاده، علیرضا و اقبالی، علیرضا "بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران"، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۷، صص ۲۲۶-۲۰۷، تابستان ۱۳۸۴.
26. WDI, 2011, Available At: <http://www.worldbank.org>.
27. Godin, B, The New Economy: what the Concept Owes to the OECD, Research Policy, No. 33, pp. 90-679, 2004.
- ۲۸- ربیعی، مهناز "نقش تحقیق و توسعه در توسعه اقتصادی کشورها"، فصلنامه رشد فناوری، شماره ۱۵، صص ۳۵-۴۰، تابستان ۱۳۸۷.
29. Pavitt, K. and Patel, P, Global Corporation and National Systems of Innovation, Innovation Policy a Global Economy, Cambridge University Press, 1999, Available At: <http://ebooks.cambridge.org/chapter.jsf?bid=cbo9780511599088&cid=cbo9780511599088a019>
30. Kalande, C, Intellectual Property Foreign Direct Investment and the Least Developed Countries, Journal of World Intellectual Property, Vol. 5, No. 7, pp. 11-128, 2002.
31. Park-Walter, G, International Patent Protection: 1960-2008, Research Policy, Vol. 37, No. 4, pp. 761-766, 2008.